

دریچه

رئیس‌جمهور بعدی روسیه کیست؟

■ در حالی‌که ۱۰ ماه به انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه مانده، ناظران داخلی و خارجی کرم‌لین گمانه‌زنی‌های مختلفی در مورد رئیس‌جمهور بعدی روسیه دارند. گزینه‌های ریاست‌جمهوری درنهایت به دو کاندید معتبر خلاصه می‌شود: دمیتری مدودف، ولادیمیر پوتین، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد هیچ یک از دیگر رقبای شانسسی در برابر مدودف یا پوتین که با بیش از ۵۰ درصد میزان حمایت روبه‌رو است، ندارند. این دو رهبر روسی بارها اعلام کرده‌اند که در انتخابات ۲۰۱۲ در مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرند و به طور دوستانه درباره اینکه کدام یک در انتخابات شرکت کنند تصمیم خواهند گرفت. نه ولادیمیر پوتین و نه دمیتری مدودف، هیچ کدام شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ روسیه را رد نکرده‌اند و هیچ کدام به وضوح از شرکت در این رقابت سخنی به میان نیاورده‌اند. براساس قانون اساسی روسیه، روسای جمهور نمی‌توانند سه دوره متوالی عهده‌دار این سمت باشند به همین دلیل پوتین در سال ۲۰۰۸ از رقابت انتخاباتی ریاست‌جمهوری کناره‌گیری کرده و مدودف را به عنوان جانشین خود انتخاب کرد. نخستین اقدام رئیس‌جمهور جدید، انتصاب پوتین به عنوان نخست‌وزیر روسیه بود. این دو قدرت روسی از آن زمان با هم حکومت کرده‌اند. تحلیلگران و مشاوران در دو مسیر به تحلیل پرداخته‌اند: آیا مدودف ۴۶ ساله در انتخابات ۲۰۱۲ برای دور دوم شرکت می‌کند یا این سمت را به پوتین ۵۹ ساله واگذار خواهد کرد. آنچه تمام کارشناسان در مورد آن توافق دارند این است که تصمیم با پوتین خواهد بود. طی دوره ریاست‌جمهوری مدودف، پوتین زمام قدرت را محکم به دست داشته و این در حالی است که دست پرورده وی در مقام دوم جای داشته است. چنین موقعیتی پس از انتخاب مدودف به عنوان رئیس‌جمهور، در یک جوک خالصه شد: پوتین به دست پرورده خود یک خودروی بلون فرمان می‌دهد. مدودف می‌پرسد: «ما فرمان کجاست؟» پوتین جواب می‌دهد: «تگران نباش، من رانندگی می‌کنم.» این جوک هنوز هم پس از گذشت سه سال به واقعیت نزدیک است. مدودف اقدامات مهم چندانی برای اثبات قدرت خود نکرده است. با وجود آنکه او توانایی سیاسی به وی قدرت وسیعی برای اخراج وزرا و حتی نخست‌وزیر را می‌دهد، مدودف بدون هیچ توضیحی تاکنون به ندرت انتصابات کلیدی را با اختیارات خود اجرایی کرده است. حتی اکثر کارمندان وی در کرم‌لین، افرادی هستند که از سوی پوتین منصوب شده بودند. مدودف خود را متفاوت از شریک ارشد خود نشان می‌دهد:آیدی‌اخبار و ایندپندنگرتر، او خواستار مبارزه با فساد مالی و به‌روزرسانی نظامی اقتصاد و سیاست روسیه شده اما در محقق کردن تعهدات خود بسیار کند عمل کرده است. برخی تحلیلگران معتقدند تنها اصلاحاتی که مدودف طی سه سال اخیر اجرایی کرده کاهش شمار مناطق زمانی از ۱۱ منطقه به ۹ منطقه و لغو تغییر ساعت فصلی بوده است. دستوراوردهای مدودف در سیاست خارجه قابل تحسین و موفقیت‌آمیز بوده اما در این اقدامات حضور پوتین به خوبی قابل لمس است. شکاف ایجاد شده در روابط مدودف و پوتین در سیاست‌های داخلی و خارجی که از سوی رسانه‌ها منعکس می‌شود نیز تاکنیک عمدی این دو همساره برای جذب مخاطبان مختلف در داخل و خارج از کشور و همچنین تاکید بر این نکته که مدودف یک مدل تقلیدی از پوتین نیست، بوده است. با نزدیک شدن به انتخابات ماه مارس سال ۲۰۱۲، مدودف تلاش بیشتری برای ارایه یک نمونه مستقل و منطقی از یک رهبر کرده است. وی به اعضای ارشد کابینه پوتین دستور داده، هیات مدیره شرکت‌های دولتی را به نفع مدیران مستقل ترک کنند. وی همچنین انتقاد از لغزش‌ها و ناکامی‌های دولت را شدت بخشیده است. مدودف در سخنرانی کنفرانس مطبوعاتی هفته گذشته خود متذکر شد در حالی‌که اهداف مشترک استراتژیکی با پوتین دارد در نحوه اجرا با وی متفاوت است.

با این حال ریاست مدودف فاقد تاثیرات لازم بود. عزل وزرا از هیات مدیره شرکت‌های دولتی را به نظر گرفتن این امر که وزرا اجازه انتخاب جایگزین را نداشته‌اند، اقدامی کاملاً نامداین بوده است. انتقادات پوتین از دولت روسیه نیز هیچ اقداماتی را در پی نداشته است. وی طی کنفرانس مطبوعاتی هفته گذشته در پاسخ به این سوال که باوجودانتقاد ناکارایی و ناکامی اعضای کابینه پوتین، چرا هیچ تغییری در این گروه ایجاد نکرده، با دلالی که انتقاداتکننده نبودند گفت:«اخراج مقامات دولت به دلیل مشکلات موجود در سازمان‌هایشان اشتباه است. چرا که دولت در نهایت به عنوان یک تیم فعالیت می‌کند. اقدامات اخیر مدودف بیانگر تلاش وی برای خارج شدن از زیر سایه پوتین نبوده بلکه حرکتی برای اثبات کیفیت ریاست خود است. مشکل اصلی درست همین‌جا است: پس از سه سال بر سر قدرت بودن، وی هنوز هم در تلاش برای اثبات این امر است که توانایی هدایت روسیه را به تنهایی دارد. این گروه گذشته زمانی که از پوتین درخصوص نامزدی مدودف در انتخابات سال ۲۰۱۲ سوال شد وی اعلام ناسم نامزدهای کرم‌لین به این زودی را عملی بر توقف فعالیت‌های دولت و گمانه‌زنی‌ها در مورد تغییرات احتمالی آینده دانست. درهرصورت پوتین کنترل کامل فرمان‌دهی روسیه به سه سال پیش در اختیار پوتین قرار داد را به دست دارد. گزینه‌های انتخابی پوتین در حال حاضر به چند مورد خلاصه می‌شود: وی می‌تواند به سمت ریاست‌جمهوری روسیه بازگردد و نخست‌وزیر جدیدی برای دولت خود منصوب کند، می‌تواند به مدودف اجازه دهد برای دور دوم در سمت ریاست‌جمهوری بماند و خود همچنان نخست‌وزیر بماند یا می‌تواند از سمت نخست‌وزیری خود استعفا بدهد اما از طریق حزب حاکم که انتظار می‌رود به اکثریت پارلمان بعدی روسیه باشند، بر سر قدرت بماند.

نوشته ولادیمیر رادویچین
خبرنگار مسکو در سایت هیندو



ترجمه: محمدعلی عسگری

کمت کسی است که محمد حسنین‌هیکل را نشناسد. روزنامه‌نگاری که به دلیل کار مداوم و پیگیری خود از ۷۰ سال پیش تاکنون در عرصه رسانه‌های غربی خوش درخشیده است. هیکل در سال ۱۹۲۲ در مصر متولد شد. در سال ۱۹۵۷ به طور رسمی سردبیری روزنامه الاهرام را بر عهده گرفت و به مدت ۱۷ سال به این کار اشتغال داشت. وی از نظر فکری طرفدار ناسیونالیسم عربی به رهبری ناصر بود و همچنان بر این اعتقاد پای می‌فشرد. تا سال ۱۹۷۰ هیکل روزنامه‌نگار و مشاور رسانه‌ای ویژه ناصر بود و در همان سال یکبار به وزارت فرهنگ و یک‌بار به وزارت امور خارجه رفت. پس از مرگ ناصر و روی کار آمدن انورسادات، هیکل تا سال ۱۹۷۴ در الاهرام ماند اما بعدها به دلیل اختلافی که با انورسادات پیدا کرد مجبور به ترک این موسسه شد. از هیکل تاکنون ده‌ها کتاب منتشر شده که عمدتا حول وحوش سیاست جهانی و منطقه‌ای است. برخی از آثار او نیز به شخصیت‌های تاریخی مصر نظیر ناصر و اسناد دوران او اختصاص دارد. هیکل درباره پیامبر اسلام(ص) نیز کتاب معروفی نوشت که همچنان مورد توجه علاقه‌مندان است. از همه اینها مهم‌تر اینکه هیکل طی یک قرن گذشته شهادی زنده بر بسیاری از تحولات منطقه خاورمیانه ازجمله جنگ‌های اعراب و اسرائیل، جنگ‌های آمریکا علیه عراق و افغانستان و نیز انقلاب‌های مهمی نظیر انقلاب ایران بوده است. نوشته‌های وی به دلیل صحت روایی و مستند بودن خوانندگان زیادی دارد. آخرین ایستگاه حرفه‌ای هیکل شبکه الجزیره بود که برنامه‌ای ویژه به نام «مع‌هیکل» داشت. گزارش‌ری از کمی‌خواید به حال و هوای خاص ورود دوباره هیکل به موسسه الاهرام در یک ماه پیش بازمی‌گردد. سخنان وی و همراهان قدیمی‌اش درباره حرفه روزنامه‌نگاری و آرزوهای مصری‌ها برای آینده آن هم در هرج و مرج برآمده از یک انقلاب می‌تواند نکات آموزنده‌ای را به همراه داشته باشد. ظاهرا قرار است هیکل از این پس نیز ستون ثابتی در الاهرام داشته باشد. استاد محمد حسنین‌هیکل باارشد بر لب وارد ساختمان الاهرام شد. همان ابتدای کسب کند. سال پیش به هنگام ترک اجباری الاهرام بر لب داشت و آمیخته با دوستی، شوق و محبت بود. این بار این لیخند توام با ناگهی به آینده بود و لیخند آن روز حاصل ۱۷سال کار در این موسسه کهن و دیرپا که برخی آن را دیوان زندگی معاصر مصریان توصیف می‌کنند بود. مانندعادت همیشگی سر وقت آمدن. قرار ساعت ۱۱ صبح روز ۲۱ می، تعیین شده بود. استودیو جلو ساختمان قدیمی الاهرام توقف کرد بدون اینکه یک دقیقه تأخیر داشته یا یک دقیقه زودتر از موعد آمده باشد. همه از خود می‌پرسیدند چطور او توانسته در این وقت صبح که معمولا قاهره ترافیک سنگینی دارد خودش را سرف وقت برساند؟لیلیب‌السباعی، رئیس امور اداری و عبدالعظیم حماد، سردبیر و عبدالعظیم برای مدیریت تحریریه الاهرام برای اولین بارگفتند. عبدالعظیم حماد گفت: استاد هیکل یک روزنامه‌نگار ساده نیست بلکه یک اندیشمند جامع در حوزه‌های گوناگون است و ما باید از دانش و اندیشه او بهره‌مند شویم. هیکل در توضیح سخنان او گفت: الاهرام یک مجموعه قبایلی نیست بلکه پروژهای است که طی...

مرحلی تاریخی به اینجا رسیده است. او کس می‌تواند به مصر را به جهان می‌شناساند. سخندانی که موفق شده و هم آن را موفق‌تر کرده است. لیلیب‌السباعی در سخنانش گفت: استاد هیکل طی سال‌های گذشته همواره به الاهرام و آینده آن لطف داشته است. به گفته او تیزاز الاهرام از تاریخ ۱۰ تا ۱۹ ماه می بیشتر شده و به نسبت سال‌های گذشته رکورد شکسته است. هیکل در خلال سخنانش گفت‌قرار است برود دادگاه درباره ثروت‌های غیرقانونی

حسنی مبارک شهادت بدهد. اشاره می‌کند که حرف خاصی ندارد و کارشناس این مسایل نیست. شاید کسان دیگری باشند که در این‌باره اطلاعات دقیق‌تری داشته باشند. در آخر توصیه می‌کند: فقط من خواهم می‌کنم اگر آمار و ارقامی می‌دهید، دقیق باشد. بعد اضافه می‌کند: من هرگز از الاهرام جدا نبوده‌ام و خیلی از کارکنانش را نمی‌شناسم ولی همه را دوست خود می‌دانم. هیچ‌کس نمی‌تواند الاهرام را از ذهن من پاک کند. همیشه در ذهن من حضور دارد. تاریخ الاهرام، تاریخ مصر است و این خاطرهای است که باید باقی بماند. این کشور در حال حاضر بیش از هر چیز به رسانه‌های امروزی احتیاج دارد که در حال حاضر کامل باشد. یعنی از رسانه‌های مکتوب گرفته تا مجازی و رسانه‌های دیداری و شنیداری، صدا و تصویری که وارد هر خانهای می‌شود. این عصر، عصر رسانه‌های کامل و همه‌جانبه است و کلمه همچنان پیش‌از خود بوده. کلمه مکتوب، اگر روزنامه‌نگاران بخواهند از آن استفاده کند بر هر چیز دیگری برتری دارد. این چالشی است که فرا روی شما قرار دارد؛ شما نه می‌آیند‌ام را سپری کرده‌ام. بخش اعظم آینده من همین‌جا است. در همین ساختمان است و بر صفحات الاهرام نقش می‌شود. اگر ما جایگاه خود را بشناسیم آینده را در خواهیم یافت. هیکل سپس به سال‌های دوری از الاهرام پرداخت و گفت: سال ۱۹۵۶ زمانی که دعوت شدم تا به الاهرام پیام ایدن اتفاق یک نقطه عطف در کار حرفه‌ای من بود. همین‌طور خروج من از الاهرام نیز پس از اختلافاتی که با سادات پیدا کردم یک نقطه عطف دیگر بود. با اولی من تجربه حرفه‌ای‌ام را در الاهرام شروع کردم و همه شما کم و کیف آن را می‌دانید. دومی هم برای من غنیمت بود زیرا از نظر انسانی و حرفه‌ای من حتی خوب بود. از نظر انسانی به این دلیل که من همچنان نظراتم را در مطرح می‌کردم و هزینه‌هایش را هم می‌پرداختم. آن زمان هم حرف‌هایم را می‌زد‌م و سادات تشخیص داد که مانند من در الاهرام با سیاست‌های جدید او سازگاری ندارد. به من پیشنهادها مشاور سیاسی و حتی معاون نخست‌وزیری دادند ولی من همه را عذر خواستم و رفتم. از نظر حرفه‌ای نیز این دوره دوره‌ای من بد نبود. چون در مطبوعات خارجی قدم زدم. به خصوص در تایمز و دلی‌تلگراف. از نظر مالی هم اوضاع بد نبود. وقتی من الاهرام را

جهان

پس از ۳۷ سال با پیروزی انقلاب مصر محقق شد

بازگشت هیکل به الاهرام



حسنین هیکل در حال رای دادن به رفقاودوم قانون اساسی در مصر عکس: روتنر

ترک کردم حقوق پنج هزار جنیه (پول مصری که پنج یا شش جنیه معادل یک دلار است) در سال بود یعنی ۴۱۶ جنیه در هر ماه که پس از کسورات به ۲۶۲ جنیه می‌رسید. اما درآمد من از نشر مقالات در مجلات خارجی این خسارت را جبران می‌کرد و حتی اقنر بود که نصف آن را به حساب صندوق می‌ریختم که برای آموزش دانشگاهی فرزندان کارکنان الاهرام تاسیس شده بود. چون من همواره نوشته‌های خود را متعلق به الاهرام می‌دانستم و برداشت بیش از ۵۰ درصد آن را روا نمی‌دانستم. در این سال‌ها که از الاهرام دور بودم بیش از ۱۲ کتاب چاپ کردم که ثروت خوبی را برای من به همراه داشت و مرا از خیلی‌های نیاز می‌کرد. هیکل درباره علت خروجش از الاهرام در سال‌های گذشته گفت: این مساله به خروج مصر با صلح لغزادی و تحت شرایطی غیرقابل قبول – از نظر من – و تعهداتی که من از نظر ملی و قومی دلیلی برای آن نمی‌دیدم، برمی‌گشت. همچنین به حملات تبلیغاتی شدیدی که علیه جمال عبدالناصر می‌شد و تاریخ مصر را تکه‌تکه می‌کرد. من همچنان به این رویکرد ملی‌گرایسی اعتقاد دارم و باورم این است که جمال عبدالناصر سمسمل آن بود. یعنی در یک چشم‌انداز استراتژیک، داخلی و بین‌المللی، نراحت می‌شوم که برخی موضع مرا در قبال سادات شخصی می‌کنند. کسانی که مرا از نزدیک می‌شناسند، می‌دانند که سه نفر از معاونان من در جمله فواد ابرهیم، عبدالله عبدالباری و علی عبدالجزل نام من آمدند تا نظر مرا تغییر دهند. گفتیم: من نظر خودم را دارم و می‌روم؛ می‌روم تا الاهرام باقی بماند. سپس هیکل به حرفه روزنامه‌نگاری پرداخت و از تجربیات خودش در این زمینه گفت: همین‌جا می‌گویم آینده این حرفه و شغل چه در الاهرام یا هر جای دیگر به طور نگاه ما به آن بستگی دارد. این حرفه هم اکنون با چالش‌های زیادی مواجه است، برخی از این چالش‌ها به سیاست برمی‌گردد، ولی ما باید نگاهمان به آینده باشد. کسانی هستند که از رسانه‌ها می‌ترسند یا از این بافت نگرانند که رسانه‌های الکترونیکی جای رسانه‌های مکتوب را بگیرد چون قدرت جذب سهمگینی دارد. چنان به طور کلی تحلیل‌های وجود از گسترش اطلاعات یاد می‌کند و مننجر می‌شود. با وجود همه اینها اما من احساس می‌کنم رسانه‌های مکتوب آینده

قابل احترامی خواهند داشت. همچنان که به استاد لیلیب‌السباعی گفتم قدرت واقعی الاهرام به خبر بستگی دارد. می‌توان حتی فراتر از گفته رفت. خبر چیزی فراتر از واقعیت است. تحلیل‌های وجود دارد که رسانه‌های الکترونیکی از آن محروم هستند. کلمه به تنهایی تعیین‌کننده است. با این کلمه است که می‌توان به کته خبر پی‌برد و زوایای متعدد آن را کاوید یا روند آن را توضیح داد، به بسیاری از پرسش‌ها پاسخ گفت و سپس به تحلیل آنها نشست. تحلیل آگاهانه، مسوولیت اصلی روزنامه است. روزنامه تاکنون این خصوصیت را حفظ کرده و بیش از سایر رسانه‌ها با خود دارد. همچنین می‌توان با صرف برندهای مادی و انسانی به خبر غنا بخشید و این کاری است که رسانه‌های الکترونیکی فاقد چنین توانی هستند. رسانه‌های دیجیتال می‌توانند مانند آنچه ویکی‌لیکس کرد دست به کارهایی بزنند اما منظور من از توانمندی این نیست بلکه چیزی دیگری است که با آن قابل مقایسه نمی‌باشد. منظور کار است که برای مثال دلی‌تلگراف درباره امتیازات اعضای پارلمان انگلستان انجام داد و تحول بزرگی که رسانه‌های انگلیسی بود. شما واشنگتن‌پست را می‌شناسید و می‌دانید که در مساله واترگیت چه کرد و برای نخستین بار منجر به خروج رئیس‌جمهور آمریکا از کاخ سفید شد. اتفاق واترگیت پس از انقلاب الکترونیکی بود. اما مساله اعضای پارلمان بریتانیا پس از این انقلاب رخ می‌داد. این نشان می‌دهد که جایگاه روزنامه‌نگاران همچنان محفوظ است. شغل روزنامه‌نگاری چنان که می‌دانیم به سه حرفه مهم خلاصه می‌شود: معرفت، سرگرمی و خبر. رسانه‌های تفریحی و سرگرم‌کننده بخشی از این رسانه‌ها هستند (تلویزیون نقش مهم‌تری در این میان دارد). ماهواره‌ها در این باره پیش‌ازند می‌توانند بسیار بهتر از رسانه‌های مکتوب با رنگ، صدا و تصویر عمل کنند. مهم‌ترین وظیفه در مطبوعات اما این است که خبر را بدایند و این کلمه است که به خبر معنا می‌دهد. وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: به نظر من مطبوعات موجود همه در یک چرخن فراگیر بسر می‌برند. مساله مالکیت مطبوعات همچنان احتیاج به بحث‌های عمیق‌تری دارد. نه ملی کردن درست است و نه اینکه در اختیار دولت باشد. روزنامه تایمز در دوره ندیس هاملتون موفق شد بین این دو، یک حد فاصلی قرار دهد که همان هیات امنا بود. این بحث‌ها درباره

مالکیت مردوخ و کونراد و... بر رسانه‌ها هم هست. شما پیوسته به سرمایه از یک سو و استقلال از سوی دیگر احتیاج دارید. هر روزنامه‌ای سرمایه‌هنگفتی می‌خواهد به‌خصوص در این شرایط بحرانی. به هر حال به نظر من این مساله احتیاج به بحث‌های گسترده‌تری هم در سطح جهانی و هم منطقه‌ای دارد. در این میان نشریات خاص وضعیت دیگری دارند و با سرمایه خود کار می‌کنند. بعضی از من درباره استقلال می‌پرسند. به نظر من نخستین مساله، استقلال اقتصادی است. هر پروژه مطبوعاتی باید ابتدا رسالت خودش را تعیین کند و بداند که دارد چه خدمتی را ارایه می‌دهد و این خواننده است که دارد بهای این خدمت را می‌پردازد. درست مثل شغل پزشکی یا کالت و... نمی‌توان کسی را بر آن داشت تا روزنامه‌ای زیان‌ده را تحمل کند. هیکل در ادامه این بحث یادآورشد، ما وقتی الاهرام را بنیان گذاشتیم حتی یک ریال هم از دولت یا بانک‌ها نگرفتیم. من اعتقاد داشتم که تکیه کردن بر نظام بانکی شبهه کمک دولتی را به همراه دارد. ما درنست مانند کسی که گوی‌ای دارد و با شیر آن زندگی خود را می‌گذراند این موسسه را بنیان گذاشتیم. مهم این است که در درجه اول استقلال رای داشته باشید تا محتاج دیگران نباشید. یعنی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر حرفه‌ای. من سال‌ها در مطبوعات کار کرده‌ام. ۳۰ سال در موسسات و ۲۷ سال خارج از آنها، به نظر من اگر استقلال اقتصادی فراهم شود سپس استقلال سیاسی و فکری هم می‌آید. هیکل در بخش دیگری از سخنانش به تحلیل شرایط کنونی مصر به ویژه پس از انفلاش پرداخت و گفت: خیلی چیزها هست که باید در آنها تجدید نظر کرد. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید چه شد و از این پس چه خواهد شد. به گمان من در دوره آینده ما بحث و جدل‌هایی طولانی خواهیم داشت و الاهرام و دیگران هم در این بحث‌ها مشارکت می‌کنند. این کشور باید به دوردست‌های فکر باشد. اعتقاد من انقلاب یک تغییر رویانی نیست بلکه یک تغییر اجتماعی، فکری و اقتصادی در درجه نخست است. از این رو کارهای زیاد و سختی هست و هرکس فکر کند مسایل به این آسانی حل می‌شود اشتباه بزرگی مرتکب شده است. چون هیچ‌کس آمادگی این شرایط را نداشته نه شورای نظامی و نه کل انقلاب را خود را پیدا کند. و این راه تثبیت شود، ما چاره‌ای جز این نداریم که تحمل کنیم. به صراحت می‌گویم که تاریخ هرگز تکرار نمی‌شود. من با این حرف مارکس به شدت موافق هستم که تاریخ خودش را تکرار نمی‌کند که اگر تکرار کند یکبار به صورت درام و دیگر بار به صورت کمدی خواهد بود.

روزنامه و ماهواره
هیکل در ادامه سخنانش یکبار دیگر به وضعیت رسانه‌ها پرداخت و گفت: انسان قدرت پیشرفت دارد اما سرعت پیشرفت (زمان) بسیار بیشتر از حرکت انسان است. اگر کسی تصور کند زمانه می‌آیدست تا او خوشش را بزند، این اشتباه خواهد بود. آلن رادیکال را که در گروه «ردموکراتیک» گرد آمده‌اند مورد سرزنش قرار داد و آنها را به ایجاد آشوب در کشور متهم ساخت. او گفت با به راه انداختن جنبش ۲۰ فوریه این گروه‌ها قصد دست یافتن به قدرت را دارند. موسی صالح یکی دیگر از اعضای این گروه می‌گوید: کسی که مردم مغرب را از فتنه می‌ترسانند، این ملت را شناخته است. زیرا در اینجا پیودیان و آمازیغ‌ها و مسلمانان سال‌هاست که در کنار هم زندگی می‌کنند. ضمنا جنبش ۲۰ فوریه خواستار سرنگونی رژیم نیست، بلکه خواستار از بین بردن فساد است و این کار تنها از طریق اتحاد و یکپارچگی حاصل می‌شود. وی در ادامه اظهاراتش می‌افزاید: فروع ملتش را به بندیگی کسانند و این کار را از طریق ایجاد تفرقه در بین آنها انجام داد. خداوند متعال نیز در قرآن بسر همین نکته تاکید می‌ورزد. صفحه اصلی کرامخ که تاکنون هزاران کاربر فیس‌بوک به آن پیوسته‌اند ملو از ویدیوهایی است که در آنها برخی از مظاهر سرکوب و خشونت علیه تظاهرکنندگان نشان داده می‌شود. از جمله اینها ویدیویی است که یک معترض امنیتی را نشان می‌دهد که مردان و زنان معترض را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد و در عین حال صورتش را پوشانده است تا نتوانند از او عکس یا فیلم بگیرند.

نیم‌نگاه

راه حل یمن به ماه‌ها یا سال‌ها زمان نیاز دارد

ترجمه: علی شیخان

■ کابریل فون بروک، پژوهشگر مدرسه شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن در گفت‌وگو با هفته‌نامه اکسپرس می‌گوید که بحران یمن زامبراست و تنها سازمان ملل می‌تواند این کشور را از شرایط کنونی خارج سازد.

■ به نظر شما، علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور یمن در برابر فشار فزاینده بین‌المللی و چالشی که رو به عمیق‌تر شدن است، با پس می‌کند؟
نه. نظام حاکم به‌ او این امکان را می‌دهد که تا ۳۳ سال در راس قدرت بماند. ضمن اینکه او به تازگی و برای سومین بار از شرایط طرح پیشنهادی خروج از بحران خودداری کرده است.

■ نقش شورای همکاری خلیج‌فارس در این میان چیست؟

تاثیر این سازمان منطقه‌ای خیلی مبهم است اما به هر حال در درک شرایط منطقه نقش حیاتی دارد؛ به ویژه نقش عربستان سعودی که خیلی پیچیده است. شورای همکاری خلیج‌فارس به دنبال راه‌حل است نه دخالت. اما به دلیل مخالفت اعضای این شورا با سرکوب‌های تحت هدایت علی عبدالله صالح، احساس می‌کنند که احتمالا مجبور به دخالت خواهند شد.

■ احتمال جنگ داخلی می‌دهید؟
بله. حتی اگر نشانه‌های آن هنوز به چشم نیاید. تنها کافی است تا نیروهای بیشتری درگیر مبارزه شوند تا این خشونت‌ها به جنگ داخلی بینجامد. به‌عنوان مثال قبایل شمال کشور هنوز در ماجرا نندهند.

■ هیلازی کلینتون گفته که آمریکا ناامید‌شده است. آیا آنها تأثیری در منطقه دارند؟
هم‌بله و هم خیر. خیلی از نظران می‌گویند که سرخ اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس در دستان آمریکاست یا آنکه می‌گویند سبیا در صنعا حضور دارد اما من فکر می‌کنم اهمیت بیش از اندازی به آمریکا می‌دهند. حتی این احتمال وجود دارد که خود صالح این شایعات را راه می‌اندازد تا توسل نیروهایش به خشونت را توجیه کند.

■ آیا احتمال دخالت نظامی، همانند لیبی، وجود دارد؟

فکر نمی‌کنم. مردم یمن از قرن‌ها پیش برای استقلال خود می‌جنگند و دخالت نظامی همانند اشغال این کشور ممکن است به شکست بینجامد. علاوه بر آن، عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه به هیچ‌وجه خواهان چنین دخالتی نیستند. ضمن آنکه راه‌حل مناسبی هم به نظر نمی‌رسد، ما چنین مواردی را قبلا در افغانستان و عراق هم دیده بودیم.

■ در چه سطحی ممکن است شرایط کنونی مایه‌ای به حل سال‌ها زمان نیاز است تا راه‌حلی پیدا شود. همه اینها به این خاطر است که طرف‌های درگیر در نظام اتلافی که علی عبدالله صالح برقرار ساخته، بسیار تور در تو و پیچیده هستند. تنها سازمان ملل می‌تواند مشکلات موجود را با رایه یک راه‌حل واقعی سیاسی و احیای گفت‌وگو یا انتقال دموکراتیک قدرت حل کند.

تلافی

کامراخ؛ طرحی مجازی برای یک پارچه کردن جوانان در مغرب

■ باوج گرفتن اعتراض‌ها در مغرب جوانان این کشور صفحات تازی را در فیس‌بوک راه انداخته‌اند که بر آن نام «کامراخ» گذاشته‌اند. کلمه‌ای دو کلمه‌فارسوی کلمه‌ای برای معنای رفیق و دوست و همراه مبارز به همان معنای چپ و «اخ» به معنای برادر در فرهنگ اسلامی و عربی گرفته شده است. مبتکران این طرح می‌گویند هدفشان یکپارچه کردن گروه‌های چپ و اسلامی در این کشور است تا به برجسته‌ترین کانون‌های مخالفان را تشکیل می‌دهند. طرفداران فیس‌بوک در مغرب به طور عمد از اعضای اصلی جنبش ۲۰ فوریه هستند. آنها صفحات کامراخ را تاسیس کرده‌اند تا ضمن ایجاد همبستگی بین اسلام‌گرایان و چپ‌گرایان موجب پیشگیری از بروز اختلاف‌فاه بین‌هسته‌های مختلف جنبش شوند. این طرح پس از آن شکل گرفت که خالد الناصری وزیر ارتباطات و سخنگوی رسمی حکومت در مغرب چند روز پیش گروه اسلام‌گرای عدل و احسان و جریان سلفیه و طریق ایجاد رادیکال را که در گروه «ردموکراتیک» گرد آمده‌اند مورد سرزنش قرار داد و آنها را به ایجاد آشوب در کشور متهم ساخت. او گفت با به راه انداختن جنبش ۲۰ فوریه این گروه‌ها قصد دست یافتن به قدرت را دارند. موسی صالح یکی دیگر از اعضای این گروه می‌گوید: کسی که مردم مغرب را از فتنه می‌ترسانند، این ملت را شناخته است. زیرا در اینجا پیودیان و آمازیغ‌ها و مسلمانان سال‌هاست که در کنار هم زندگی می‌کنند. ضمنا جنبش ۲۰ فوریه خواستار سرنگونی رژیم نیست، بلکه خواستار از بین بردن فساد است و این کار تنها از طریق اتحاد و یکپارچگی حاصل می‌شود. وی در ادامه اظهاراتش می‌افزاید: فروع ملتش را به بندیگی کسانند و این کار را از طریق ایجاد تفرقه در بین آنها انجام داد. خداوند متعال نیز در قرآن بسر همین نکته تاکید می‌ورزد. صفحه اصلی کرامخ که تاکنون هزاران کاربر فیس‌بوک به آن پیوسته‌اند ملو از ویدیوهایی است که در آنها برخی از مظاهر سرکوب و خشونت علیه تظاهرکنندگان نشان داده می‌شود. از جمله اینها ویدیویی است که یک معترض امنیتی را نشان می‌دهد که مردان و زنان معترض را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد و در عین حال صورتش را پوشانده است تا نتوانند از او عکس یا فیلم بگیرند.

منبع: العربیه